

Analysis of the Narrative Evidence Concerning the Recitation of Surah Al-An'am

Alireza Khonsha¹ 

Abstract

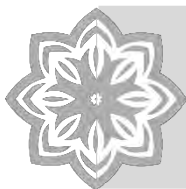
The recitation of the Qur'an has been a common practice among Muslims since the dawn of Islam, emphasized by divine command and the recommendation of religious authorities. Among its chapters, the recitation and collective completion (Khatm) of the blessed Surah Al-An'am has gained particular prominence. Following its recitation, Muslims often spread a ceremonial meal bearing its name. What, then, are the characteristics of this surah that have made its completion so highly recommended and popular? How reliable is the chain of transmission for narrations concerning its virtues and occasions of revelation, and what is the prescribed method for its completion? What does an analysis of the content of its verses reveal? This research, conducted through content analysis using library resources, databases, websites, and Islamic sciences software, concludes that the narrations regarding the virtues and occasions of revelation for this surah, due to their frequent transmission through various channels and the presence of reliable narrators in their chains, are sound and trustworthy. Furthermore, analysis of the content of the verses shows that the entire surah is replete with arguments and proofs for monotheism and the knowledge of God. Even other doctrinal, jurisprudential, and ethical concepts are introduced through this lens, which may be the reason behind the numerous recommendations for its completion.

Keywords: Qur'an, Completion of Surah Al-An'am, Virtue, Chain of Transmission, Content.

Citation: Khonsha, A. (2026). "Analysis of the Narrative Evidence Concerning the Recitation of Surah Al-An'am". *Hadith-based Qur'anic Research*, 1 (3), 82-96. (In Persian)

* Received: 2025/07/26, Revised: 2025/10/05, Accepted: 2025/11/15.

1. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.
Corresponding Author Email: A.khonsha@saadi.shirazu.ac.ir.



تحلیل مستندات روایی ختم سورة انعام

علیرضا خنشا^۱ 

چکیده

تلاوت قرآن از صدر اسلام تاکنون در میان مسلمانان امری رایج بوده که به دستور الهی و سفارش اولیای دین نسبت به آن اهتمام ورزیده‌اند. در میان سوره‌های قرآن، تلاوت و ختم دسته جمعی سورة مبارکه انعام مشهور شده و مسلمانان بعد از قرائت آن، سفره‌ای به همین نام می‌گسترانند. این سوره چه ویژگی‌هایی دارد که ختم آن، به این اندازه مورد سفارش و استقبال قرار گرفته است؟ ارزیابی سندی روایات فضیلت و شأن نزول، روش و نحوه ختم این سوره چگونه است؟ پژوهش حاضر به شیوه تحلیل محتوا با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، پایگاه‌ها، سایت‌ها و نرم افزارهای علوم اسلامی انجام یافته و نتایج نشان می‌دهد روایات فضیلت و شأن نزول این سوره به دلیل نقل فراوان با طرق مختلف و وجود راویان موثق در سلسله سند، صحیح و قابل اعتماد هستند. همچنین مفهوم آیات نشان می‌دهد سراسر سوره سرشار از استدلال و احتجاج به توحید و خداشناسی است و حتی سایر مفاهیم اعتقادی، فقهی و اخلاقی مطرح شده نیز از همین طریق ضمانت اجرایی می‌گیرند و شاید دلیل این همه توصیه به قرائت سورة انعام، وجود همین ویژگی شاخص توحیدی باشد.

واژگان کلیدی: قرآن، ختم سورة انعام، فضیلت، سند، محتوا.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

استناد: خنشا، علیرضا (۱۴۰۴). «تحلیل مستندات روایی ختم سورة انعام». قرآن پژوهی روایی، ۱ (۳)، ۸۲-۹۶.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۴ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۴

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد شیراز، شیراز، ایران. رایانامه نویسنده مسئول: A.khonsha@saadi.shirazu.ac.ir

۱- بیان مسئله

تلاوت قرآن و تدبیر در آیات آن از زمان نزول تاکنون، امر متداولی بوده که به دلیل اهمیت والای آن همواره مورد سفارش پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام قرار گرفته است. یکی از این سوره‌ها، که تلاوت و ختم دسته‌جمعی آن در بین مسلمانان رواج داشته و معمولاً برای رفع حاجات خوانده می‌شود، سوره مبارکه انعام است. درباره ویژگی‌های این سوره چنین آمده است: سوره «انعام» در حقیقت سوره «احتجاج» است؛ زیرا استدلال‌های توحیدی در آن فراوان‌اند و تعبیر «قُل» (بگو) که در مقام تعلیم برهان و احتجاج به رسول گرامی است، بیش از ۴۰ مرتبه در این سوره آمده است و در حقیقت ۴۰ حجت، افزون بر دیگر استدلال‌های این سوره است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۲۲۵؛ جوادی آملی، ۱۳۹۰ش، ج ۲۴، ص ۳۳۱). در این پژوهش به اعتبارسنجی سندی روایات فضیلت و شأن نزول این سوره و تحلیل محتوا و ارزیابی متن آیات آن با تأکید بر آرای مفسران فریقین پرداخته شده است.

۲- پیشینه تحقیق

اکثر پژوهش‌های صورت‌گرفته، درباره فضیلت، روش و نحوه ختم این سوره است و درباره ارزیابی و اعتبارسنجی آن تاکنون پژوهش مستقلی انجام نشده است. البته برخی از مفسران درباره فضیلت آن، نکاتی را بیان نموده‌اند. به عنوان نمونه، جمعی از نویسندگان درباره فضیلت و نکات اخلاقی سوره انعام مطالبی را ذکر کرده‌اند؛ بنابراین با توجه به استقبال جامعه مسلمانان در ختم دسته‌جمعی آن، پژوهش درباره اعتبار فضیلت قرائت و تحلیل محتوای سوره، امری ضروری به نظر می‌رسد.

۳- مشخصات سوره انعام

در ادامه به بررسی روایات فضیلت و شأن نزول سوره مبارکه انعام همراه با اعتبارسنجی سندی و تحلیل محتوایی آیات پرداخته شده است.

۱-۳- مکی یا مدنی بودن

از ابن عباس، ابی بن کعب، عکرمه و قتاده، نقل شده است که تمام سوره، شبی در مکه بر پیامبر گرامی نازل شد در حالی که هفتاد هزار ملک با صدای حمد و تسبیح، سوره را همراهی می‌کردند. پیامبر ﷺ «سبحان الله العظیم» گفت و به سجده افتاد. سپس کاتبان وحی را فرا خواند و همان شب سوره را نوشتند (طوسی، بی تا، ج ۴، ص ۷۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۴۲۱). عده‌ای، برخی از آیات آن را مدنی دانسته‌اند (بلخی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۵۲۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۲، ص ۴۷۱)، ولی سیاق آیات نشان می‌دهد که همه آیات مکی هستند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۶؛ جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۲۴، ص ۳۳۱).



۳-۲- نحوه نزول (تدریجی یا دفعی)

اکثر روایات نشان می‌دهند که نزول این سوره تدریجی نبوده و به صورت دفعتاً (یکباره) بر رسول اکرم ﷺ نازل شده است. مانند روایات زیر:

الف) از امام رضا (ع) نقل شده است: «نَزَلَتْ سُورَةُ الْأَنْعَامِ جُمْلَةً وَاحِدَةً شِيعَتُهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ لَهُمْ رَجُلٌ بِالتَّسْبِيحِ وَالتَّقْدِيسِ وَالتَّهْلِيلِ وَالتَّكْبِيرِ فَمَنْ قَرَأَهَا سَبَّحُوا لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ سوره انعام یکجا نازل شد و هفتاد هزار فرشته آن را بدرقه کردند که صدایشان به تسبیح، تهلیل (گفتن لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) و تکبیر بلند بود؛ پس هرکس آن را بخواند، آن فرشتگان تا روز قیامت برای او تسبیح می‌کنند» (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۹۴؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۶۹۶).

ب) از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده است: «أُنْزِلَتْ عَلَى الْأَنْعَامِ جُمْلَةً وَاحِدَةً يُشِيعُهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ لَهُمْ رَجُلٌ بِالتَّسْبِيحِ وَالتَّحْمِيدِ فَمَنْ قَرَأَهَا صَلَّى عَلَيْهِ أُولَئِكَ السَّبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ بِعَدَدِ كُلِّ آيَةٍ مِنَ الْأَنْعَامِ يَوْمَئِذٍ لَيْلَةً؛ سوره انعام یکجا بر من نازل شد درحالی که هفتاد هزار فرشته آن را بدرقه می‌کردند و صدای آن‌ها به تسبیح و گفتن حمد [خدا] بلند بود؛ پس هرکس آن را بخواند، آن هفتاد هزار فرشته، به تعداد همه آیات انعام، یک روز و یک شب بر او درود می‌فرستند» (کفعمی، ۱۴۰۵ق، ص ۴۳۹؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۳۹۶؛ برازش، ۱۳۹۵، ج ۴، ص ۳۱۴).

ج) از امام صادق (ع) نقل شده است: «إِنَّ سُورَةَ الْأَنْعَامِ نَزَلَتْ جُمْلَةً شِيعَتُهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ حَتَّى أُنْزِلَتْ عَلَى مُحَمَّدٍ ﷺ فَعَظَّمُوهَا وَبَجَلُوهَا فَإِنَّ اسْمَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِيهَا فِي سَبْعِينَ مَوْضِعًا وَلَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي قِرَاءَتِهَا مَا تَرَكُوهَا؛ سوره انعام یکجا نازل گردید و هفتاد هزار فرشته آن را بدرقه کردند تا بر محمد ﷺ نازل شد، پس آن را بزرگ شمارید و گرامی دارید؛ زیرا نام خدای عزوجل در هفتاد جای آن است و اگر مردم می‌دانستند چه [برکاتی] در خواندن آن است، آن را ترک نمی‌کردند» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۶۲۲ و...).

د) ابوالشیخ عن ابی بن کعب قال «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أُنْزِلَتْ عَلَى سُورَةِ الْأَنْعَامِ جُمْلَةً وَاحِدَةً يُشِيعُهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ لَهُمْ رَجُلٌ بِالتَّسْبِيحِ وَالتَّحْمِيدِ وَالتَّكْبِيرِ وَالتَّهْلِيلِ؛ سوره انعام یکجا بر من نازل شد درحالی که هفتاد هزار فرشته آن را بدرقه می‌کردند و صدای آن‌ها به تسبیح و گفتن حمد [خدا] بلند بود (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۲، ص ۴۷۱؛ ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۲۱۳).

۳-۳- فضیلت و ثواب

اکثر اخبار و روایات وارد شده درباره این سوره همچون روایات قسمت قبل، ضمن بیان نحوه نزول، به فضیلت و ثواب قرائت آن نیز اشاره نموده‌اند. در حدیثی از پیامبر اکرم ﷺ آمده است: «مَنْ قَرَأَهَا مِنْ أَوَّلِهَا إِلَى قَوْلِهِ يَكْسِبُونَ وَكُلَّ اللَّهِ بِهِ أَزْبَعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يَكْتُبُونَ لَهُ مِثْلَ عِبَادَتِهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ هرکس سوره انعام را از اولش تا آیه يَكْسِبُونَ بخواند، خداوند چهل هزار فرشته بر او می‌گمارد که مانند عبادتشان را تا روز قیامت برای او می‌نویسند» (کفعمی، ۱۴۰۵ق، ص ۴۳۹؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۳۹۶). ابی بن کعب، از پیشوای عالی قدر اسلام، روایت کرده است که فرمود: «سوره انعام یکجا بر من نازل شد، درحالی که هفتاد

هزار فرشته با صدای حمد و تسبیح، سوره را همراهی می‌کردند. هرکس این سوره را بخواند، همین هفتاد هزار فرشته به عدد هر آیه‌ای، یک شبانه‌روز بر او صلوات می‌فرستند» (طوسی، بی‌تا، ج ۴، ص ۷۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۱۲۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۲، ص ۴۷۱؛ ابن‌کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۲۱۳). فخر رازی پس از نقل چند روایت در فضیلت سوره «انعام» می‌نویسد: علمای اصول دین دو فضیلت خاص برای این سوره بیان کرده‌اند: نزول دفعی، و همراهی هفتاد هزار فرشته؛ زیرا این سوره دربرگیرنده ادله توحید، عدل، نبوت، معاد و ابطال مذاهب ملحدان و مخالفان دین است و این مطلب بر کمال رفعت و جلالت علم اصول دین دلالت دارد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۲، ص ۴۷۱).

۳-۱- اعتبارسنجی روایات

در این بخش برخی روایات از لحاظ سندی ارزیابی می‌شوند:

الف) حدیث اول

إِنَّهُ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عليه السلام قَالَ نَزَلَتِ الْأَنْعَامُ جُمْلَةً وَاحِدَةً - وَيُسَيِّعُهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ لَهُمْ زَجَلٌ بِالتَّسْبِيحِ وَالتَّهْلِيلِ وَالتَّكْبِيرِ - فَمَنْ قَرَأَهَا سَبَّحُوا لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۹۳).

در این حدیث که هم به نحوه نزول و هم فضیلت و ثواب قرائت سوره اشاره دارد، علی‌بن‌ابراهیم قمی از پدرش، و او از حسین‌بن‌ خالد، از امام رضا عليه السلام روایت را نقل نموده است. درباره ابراهیم‌بن‌هاشم مدح و توثیق یا ذم مستقیمی وارد نشده و توثیق او اجماعی است. توصیفات زیر از وی در کتاب‌های رجال به چشم می‌خورد: قمی، با اصالت کوفی، اولین کسی که حدیث کوفی را در قم انتشار داد، دارای کتاب نوادر و قضایای امیرالمومنین عليه السلام، از اصحاب امام رضا عليه السلام و شاگرد یونس‌بن‌عبدالرحمن (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۶؛ طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۱؛ همو، ۱۳۷۳، ص ۳۵۳)، یکی از پرتکرارترین راویان در اسناد کتاب‌های حدیثی شیعه و حلقه اتصال طبقه اصحاب امام کاظم و امام رضا عليه السلام به طبقه مشایخ محمدبن‌یعقوب کلینی (حسینی شیرازی، ۱۴۰۰، ص ۲۱) و استدلال بر وثاقت وی بر پایه عبارت «أَوَّلُ مَنْ نَشَر...» (مامقانی، ۱۴۲۴ق، ج ۵، ص ۹۳؛ خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۱۷)؛ که این مطالب نشان از مدح، توثیق و یا حداقل صحت اجماعی راوی است. علی‌بن‌ابراهیم را نیز علمای متقدم و متأخر رجالی ثقة دانسته‌اند (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۶؛ طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۳۵۳؛ علامه حلی، ۱۳۸۱، ص ۲۹۱؛ خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۵۸ و ج ۱۲، ص ۲۱۰). همچنین حسین‌بن‌ خالد را هم دو تن از علمای رجال متقدم همچون برقی و شیخ طوسی، ثقة امامی و از اصحاب امام رضا عليه السلام دانسته‌اند (برقی، ۱۳۴۲، ص ۴۸ و ۵۲؛ طوسی، ۱۴۲۷ق، ص ۳۳۴ و ۳۵۵) و علمای متأخر نیز آن را تایید و نقل نموده‌اند (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۲۴۹). بنابراین این روایت صحیح‌السند و اعتبار آن زیاد است.

ب) حدیث دوم

عَنْ أَبِي بصير قال: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: إِنَّ سُورَةَ الْأَنْعَامِ نَزَلَتْ جُمْلَةً وَاحِدَةً - وَشِيعَهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ - حِينَ أُنْزِلَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَعَظُمُوهَا وَبَجَلُوهَا، فَإِنَّ اسْمَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِيهَا فِي سَبْعِينَ مَوْضِعًا، وَلَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي قِرَاءَتِهَا مِنَ الْفَضْلِ مَا تَرَكُوهَا، ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَنْ كَانَ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ يُرِيدُ قَضَاءَهَا - فَلْيُصَلِّ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ وَالْأَنْعَامِ، فَلْيَقُلْ فِي صَلَاتِهِ إِذَا فَرَغَ مِنَ الْقِرَاءَةِ «يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ...» (عياشي، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۳۵۳).

این روایت را عیاشی به سند خود از ابی بصیر از امام صادق عليه السلام نقل می نماید. درباره یحیی ابوبصیر الأسدی آمده است که ایشان از اصحاب ممتاز امام باقر و امام صادق عليه السلام بوده (برقی، ۱۳۴۲، ص ۱۷؛ کشی، بی تا، ص ۳۴۸، نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۴۴۱، طوسی، ۱۴۲۷ق، ص ۱۴۹ و ۳۲۱) و او را ثقه، جلیل، امامی (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۴۴۱) و از اصحاب اجماع شمرده اند (کشی، بی تا، ص ۵۰۷). بنابراین حدیث مذکور نیز صحیح السند و مقبول است و می توان به محتوای آن اعتماد کرد. هرچند بررسی سلسله راویان از عیاشی تا ابوبصیر نشان می دهد که اتصال میان روات برقرار نیست و این یک ضعف سندی است؛ اما با توجه به قرائن و دسترسی علمای متقدم به اصول اربعانه می توان به گفته ی عیاشی اعتماد نمود.

(ج) حدیث سوم

فِي كِتَابِ ثَوَابِ الْأَعْمَالِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: «مَنْ قَرَأَ سُورَةَ الْأَنْعَامِ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ كَانَ مِنَ الْآمِنِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَمْ يَرِ بِعَيْنِهِ مَقْدَمَ النَّارِ أَبَدًا. وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: نَزَلَتْ سُورَةُ الْأَنْعَامِ جُمْلَةً وَاحِدَةً شِيعَهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ حَتَّى نَزَلَتْ عَلَى مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله، فَعَظُمُوهَا وَبَجَلُوهَا فَإِنَّ اسْمَ اللَّهِ فِيهَا فِي سَبْعِينَ مَوْضِعًا وَلَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِيهَا مَا تَرَكُوهَا» (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، ص ۱۰۵؛ حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۶۹۶؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۳۹۶). این حدیث نیز از کتاب ثواب الأعمال شیخ صدوق از ابن عباس نقل شده و نقل آن از ابن عباس نیز از نقاط مثبت و قوت آن است. اگرچه اتصال راویان بین شیخ صدوق تا ابن عباس برقرار نیست؛ اما با تجمیع قرائنی چون وثوق صدوری حدیث نزد متقدمان^۱، طرق شیخ صدوق به ابن عباس در مشیخه، تسامح در ادله سنن در مبحث مستحبات و آداب (احادیث فضیلت سور)، احادیث من بَلَغَ (هرکس به قصد ثوابی از ناحیه خداوند عملی را انجام دهد ان شاء الله آن عمل مقبول واقع شود) و...، ظن به صحت یا مقبول بودن حدیث ایجاد خواهد شد.

همچنین باید افزود مضمون روایات فضیلت و شأن نزول سورة انعام مشابه بوده و از راه های مختلفی ذکر شده است. در جوامع حدیثی شیعه به اسناد گوناگون، علی بن ابراهیم قمی از امام رضا عليه السلام، عیاشی از ابی بصیر از امام صادق عليه السلام، کلینی از امام صادق عليه السلام، شیخ طوسی و طبرسی از ابن عباس، شیخ صدوق، کفعمی، عروسی حویزی و بحرانی از پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله، و در جوامع حدیثی اهل سنت نیز فخر رازی و ابن کثیر به طرق متعددی از ابن عباس و ابی بن کعب از پیامبر صلى الله عليه وآله روایات فضائل سورة انعام را نقل و بیان نموده اند؛ بنابراین این احادیث به علت داشتن طرق مختلف، نقل های فراوان و وجود راویان موثق در سلسله سند، از احادیث

۱. از آنجاکه علمای متقدم به کتبی دسترسی داشته اند که امروزه در اختیار متأخران نیست، می توان احادیث مورد وثوق آنان را حداقل مقبول دانست.

۴- نحوه ختم و قرائت سورة انعام

درباره نحوه تلاوت و ختم سوره و دعا‌های پایانی آن نیز احادیثی وارد شده است که برای نمونه یک روایت صحیح ذکر می‌شود: ابوبصیر می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «سوره انعام یکجا نازل گردید و زمانی که بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وحی شد، هفتاد هزار فرشته آن را بدرقه کردند؛ پس آن را بزرگ شمارید و گرامی دارید؛ زیرا نام خداوند تبارک و تعالی در هفتاد جای آن است و اگر مردم می‌دانستند چه فضیلتی در خواندن آن است، آن را ترک نمی‌کردند». سپس امام صادق علیه السلام فرمود: «هرکس به درگاه خداوند حاجتی دارد که می‌خواهد برآورده شود، پس باید چهار رکعت با سوره حمد و سوره انعام بخواند و هنگامی که از قرائت فارغ شد در نمازش بگوید: «ای کریم! ای کریم! ای بزرگ! ای بزرگ! ای بزرگ! ای بزرگ! ای بزرگ! ای بزرگ! ای بزرگ! ای شهنشاه! ای کسی که روزها و شب‌ها او را تغییر نمی‌دهد! بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله درود فرست و بر ناتوانی، فقر، تنگدستی و بی‌چیزی من رحم کن؛ چون تو به آن از من آگاه‌تری و تو به نیازمندی من آگاه‌تری. ای کسی که بر یعقوب پیرمرد رحم کرد زمانی که نور دیده‌اش یوسف را به او برگرداند! ای کسی که بر ایوب علیه السلام بعد از وارد شدن غم و اندوه رحم کرد! ای کسی که بر محمد صلی الله علیه و آله رحم کرد و او را از یتیمی پناه داد و او را بر گردن کشان قریش و ستمگانش یاری کرد و او را بر آن‌ها پیروز کرد! ای یاری‌کننده! ای یاری‌کننده! ای یاری‌کننده!» بارها آن را می‌گویند و سوگند به کسی که جانم در دست اوست، اگر بعد از نمازی که می‌خوانی پشت سر این سوره، خدا را با آن بخوانی و سپس تمام حاجت‌هایت را از خدا بخواهی بر تو بخل نرزد و آن را به تو عطا کند ان شاء الله» (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۳۹۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۸، ص ۳۴۸).

۴-۱- روش‌های دیگر ختم سوره انعام

پس از نماز ظهر دو رکعت نماز حاجت خوانده و بعد از آن ۴۱ بار صلوات فرستاده شود. سپس ۴۱ بار یا ۱۱ بار عبارت: «اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّيَ وَ اَتُوبُ اِلَيْهِ» گفته شود و ۴۱ بار یا ۱۱ بار گفته شود: «اَقُوْضُ اَمْرِيْ اِلَى اللّٰهِ اِنْ اللّٰهَ بَصِيْرٌ بِالْعِبَادِ» و ۴۱ بار یا ۱۱ بار نیز گفته شود: «حَسْبُنَا اللّٰهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيْلُ نِعْمَ الْمَوْلٰى وَ نِعْمَ النَّصِيْرُ» و ۴۱ بار یا ۱۱ بار سورة حمد و ۳ بار سورة توحيد تلاوت شود؛ در نهايت اين دعا خوانده شود: «اللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْتَلِكُ بِحَقِّ سُوْرَةِ الْاِنْعَامِ وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ اَفْضَلُ الصَّلٰوةِ وَ السَّلَامُ وَ بِحَقِّ اَسْمَائِكَ الْعِظَامِ اَنْ تَنْظُرَ الْيَنَابِلَ نَظَرَ رَحْمَةٍ وَ غُفْرَانٍ وَ اَنْ تَحْفَظْنَا مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّىْ اَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا اِنَّ رَبِّىْ عَلَى صِرَاطٍ الْمُسْتَقِيْمِ اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ حَقِّكَ وَ بِحَقِّ النَّبِىِّ وَ عَتْرَتِىْ»، پس از آن خواندن سوره انعام شروع شود. در حين خواندن سوره انعام بايد ذكرهاى گفته شود:.... (وبسایت [wikiorsesh.ir](http://www.wikiorsesh.ir)).

۴-۲- ختم سوره انعام در شب جمعه

برای انجام این ختم، روز یا شب پنجشنبه یا جمعه رو به قبله سوره حمد خوانده و بعد از آن شروع به خواندن سوره انعام شود. زمانی که در آیه ۱۲۴ به قسمت «مِثْلَ مَا أُوتِيَ رُسُلُ اللَّهِ...» رسید باید برخاست و دو رکعت نماز خواند؛ در هر رکعت ۷ بار سوره حمد، ۷ بار آیه الکرسی و ۷ بار سوره کوثر خوانده شود. بعد از نماز سوره انعام از ادامه آیه ۱۲۴ یعنی «... اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ» ادامه داده شود. بعد از تمام شدن سوره انعام به سجده رفته و ۷۰ بار گفته شود: «لا اله الا الله محمد رسول الله» و حاجت از خدا خواسته شود (همان). استدلال: این روش‌ها مبنای شرعی ندارد، بلکه مبنای عرفی دارد؛ یعنی سند متداولی درباره این چنین نحوه ختم با ذکر اوراد وجود ندارد که اعتبارسنجی آن صورت پذیرد؛ بلکه خودجوش و در اثر رفتار متدینین است. همچنین این روش‌ها در کتب غیرمشهور و غیرمعتبر آمده است و در آن‌ها، روایات حاوی خواندن اذکاری خاص در بین آیات وجود دارد؛ بنابراین به دلیل ضعف سندی و مغایرت با احادیث معتبر و متواتر، چندان مورد اعتماد و توثیق نیست.

۵- تحلیل محتوای سوره انعام

با توجه به اینکه پژوهش حاضر به دنبال روشن‌داشتن دلایل مرسوم شدن ختم سوره انعام نزد مردم است، به نظر می‌رسد که محتوای سوره می‌تواند کلید بازگشایی این مسئله قرار گیرد؛ بنابراین به بررسی این مهم پرداخته می‌شود.

۵-۱- محتوای سوره انعام

محور اصلی محتوای سوره انعام را اعتقادات مسلمانان (توحید، نبوت، معاد) تشکیل می‌دهد، اما خلاصه آن را می‌توان این‌گونه بیان کرد: بیان نشانه‌های توحید، معاد و قدرت پروردگار، شریک قائل شدن کافران برای خداوند، بیان بهانه‌های کافران برای ایمان نیاوردن، بیان دلایل نبوت، لجاجت کافران در مقابل حق و سرانجامشان در قیامت، وظیفه پیامبران: انذار و بشارت، آزمایش توانگران به وسیله تهی‌دستان، کلیدهای غیب نزد خداوند، توصیه به تقوا و نماز، دعوت به یکتاپرستی با ارائه دلیل روشن توسط حضرت ابراهیم علیه السلام، بیان بدعت‌های مشرکان و زیان دیدن پیروان آنان، بیان احکام خوراکی‌ها، بیان قوانین اعتقادی و اخلاقی اسلام.

آیات نخست (اول تا هفتم) سوره انعام به حمد و ستایش پروردگار و اثبات یگانگی خداوند از طریق یادآوری خلقت آسمان‌ها و زمین و چگونگی آفرینش انسان اختصاص دارد و می‌افزاید که دلایل روشن و غیرقابل انکاری بر برتری و حاکمیت خداوند بر جهان هستی دلالت نموده است؛ اما کافران که جز بهانه‌جویی کاری ندارند، از این نشانه‌های آشکار روی برتافته، پیامبران را استهزاء می‌کنند و از عذاب الهی که پیشینیان آن‌ها را دربرگرفت، غفلت می‌کنند؛ و درحالی‌که آنان از قدرت و ثروتی بیش از مشرکان مکه

برخوردار بودند، اما به سبب رفتار ناشایستشان به عذاب الهی دچار شدند. پس از این مقدمه کوتاه، سایر آیات این سوره به بیان انحرافات فکری و رفتاری مشرکان و پاسخگویی به شبهات آنان می‌پردازد و به مناسبت، اصولی از توحید و هدایت را مطرح می‌کند. بر این اساس، آیات ۸ تا ۱۳۵ انحرافات فکری و شبهات مطرح شده از سوی مشرکان را بررسی می‌کند و آیات ۱۳۶ تا ۱۵۲ رفتارهای ناشایست و بدعت‌هایی را که در آیین ابراهیم علیه السلام پدید آورده بودند بیان نموده و احکام الهی را تشریح می‌کند و در انتها با جمع‌بندی این مطالب در آیات ۱۵۳ تا ۱۶۵ سوره به پایان می‌رسد (طیب حسینی، بی‌تا، ج ۴، ص ۵۵). برخی از بزرگان و علما در این باره معتقدند که این سوره در مقام بیان مفاهیم اعتقادی به ویژه توحید ناب خدای متعال است؛ زیرا بیشتر آیات آن به صورت استدلال و احتجاج علیه مشرکان و مخالفان توحید و نبوت و معاد است. این سوره با ثنا و ستایش پروردگار آغاز شده و این ثنا به منزله مقدمه برای مطالبی است که در خلال سوره و در خصوص مسئله توحید ایراد شده است. همچنین ثنای مزبور متضمن چکیده و اجمال غرضی است که به تفصیل آن در سوره، احتجاج خواهد شد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۶). در حقیقت سوره «انعام» را می‌توان سوره «احتجاج» نامید، چون سراسر آن سرشار از استدلال‌های توحیدی است و تعبیر «قل» (بگو) که در مقام تعلیم برهان و احتجاج به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است، بیش از ۴۰ بار در این سوره آمده است و در حقیقت ۴۰ حجت، افزون بر دیگر استدلال‌های این سوره است (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۲۴، ص ۳۳۱).

۵-۲- هدف سوره انعام

سیر در متن آیات این سوره و نیز بررسی شأن نزول‌های آن نشان می‌دهد که مهمترین گرفتاری مردم حجاز در آن زمان، مسائل اعتقادی بوده است که اصلاح و تهذیب آن‌ها زمینه‌ساز اصلاح مسائل اخلاقی، فقهی و حقوقی است. از این رو، پیام مستقیم این سوره بانگ بیدارباش توحیدی و مسائل اصول دین است و تنها بخش کوتاهی درباره مسائل فقهی، اخلاقی و حقوقی است؛ مانند وصایای ده‌گانه در بخش پایانی این سوره (آیات ۱۵۱-۱۵۳) که در کتب همه انبیای گذشته نیز بوده‌اند. بر این اساس، هدف اصلی و پیام مهم سوره و نیز خطوط کلی معارف آن، مسائل اعتقادی همچون مباحث خداشناسی، وحی‌شناسی، انسان‌شناسی و معادشناسی است. البته این مباحث در قالب پاسخ‌گویی به شبهات علمی و راه درمان شهوات عملی آمده‌اند، چون این سوره صبغه احتجاج دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۲۴، ص ۳۳۸). دیگری، هدف اساسی این سوره را همانند سایر سوره‌های مکی، دعوت به اصول سه‌گانه «توحید»، «نبوت» و «معاد» می‌داند، ولی بیش از همه روی مسئله یگانه‌پرستی و مبارزه با شرک و بت‌پرستی دور می‌زند. دقت در آیات این سوره می‌تواند روح نفاق و پراکندگی را از میان مسلمانان برچیند و گوش‌ها را شنوا، و چشم‌ها را بینا و دل‌ها را دانا سازد؛ اما متأسفانه برخی، جلسات عریض و طویل برای حل مشکلات شخصی و خصوصی خود با تشریفات ویژه‌ای تشکیل می‌دهند که به نام جلسات ختم انعام نامیده می‌شود. مسلماً اگر در این جلسات به محتوای سوره دقت شود، نه تنها مشکلات شخصی، بلکه مشکلات عمومی مسلمانان نیز حل خواهد شد، اما افسوس که بسیاری از مردم به قرآن به عنوان یک سلسله «اوراد» که دارای خواص مرموز و ناشناخته است

می‌نگرند و جز به خواندن الفاظ آن نمی‌اندیشند؛ درحالی‌که قرآن سراسر درس است و مکتب، برنامه است و بیداری، رسالت است و آگاهی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۱۴۳-۱۴۴).

۵-۳- ترتیب نزول سورة انعام

جایگاه و محل سوره در سنجش با دیگر سوره‌ها از حیث نزول، به کمک دو شاهد داخلی و خارجی روشن می‌شود:

الف. «شاهد خارجی» به کمک روایات است که در مورد این سوره، مطابق با روایت ابوحمزه ثمالی از ابن عباس، این سوره در مکه نازل شده و سی و هشتمین مورد نزول است (حجتی، ۱۳۸۱، ص ۴۰۰) و مطابق با نظر ابن الندیم، بقاعی، ابوالقاسم عمر و نولدکه، چهل و یکمین سوره نازل شده در مکه است (حجتی، ۱۳۸۱، ص ۳۹۶). البته طبق نظر آیت‌الله معرفت، پنجاه و پنجمین سوره نازل شده است که بعد از سورة حجر نازل شده است (معرفت، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۳۶).

ب. «شاهد داخلی» از شواهد موجود در خود سوره استفاده می‌شود. مثلاً اگر ظهوری از آیه‌ای به دست آمد و آن مطلب هم در سورة پیشین مشخص بود، روشن می‌شود که این سوره پس از آن نازل شده است. مطابق دیدگاه برخی مفسران، شاید از جمله «وَلَقَدْ جَاءَكَ مِنْ نَبَايَ الْمُرْسَلِينَ» (انعام: ۳۴) استفاده شود که سورة «انعام» پس از سوره‌های مکی «شعراء»، «مریم» و مانند آن، که قصص انبیا ﷺ را بیان می‌کنند، نازل شده است و چون خود این سوره‌ها قطعاً پس از سوره‌هایی مثل «علق» و «مدثر» نازل شده‌اند، پس سورة «انعام» در طبقه سوم از سوره‌های مکی قرار دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۶۲؛ جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۲۴، ص ۳۳۲).

برخی مفسران نیز بر این باورند که سورة «انعام» در سال چهارم از بعثت نازل شده است؛ زیرا سورة «حجر» که مکی است قبل از آن نازل شده است. در آن سوره، آیه «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» (حجر: ۴۲) قرار دارد که به آشکار کردن دعوت اسلامی امر کرده و در تاریخ معروف است که پیامبر اکرم ﷺ سه سال مخفیانه به اسلام دعوت می‌کرد (طنطاوی، ۱۹۹۷م، ج ۵، ص ۵). برخی دیگر، تاریخ نزول سورة انعام را بعد از سورة حجر و در بین واقعه اسراء و هجرت پیامبر ﷺ به مدینه می‌دانند (بلاغی، ۱۳۸۶ق، مقدمه اول، ص ۱۹). به احتمال قوی سورة انعام در سال چهارم یا پنجم بعثت، یعنی یک یا دو سال پس از آنکه پیامبر ﷺ مأمور به آشکار کردن دعوت خود شد، فرود آمده است. مشرکان که با سخنان و تعلیم جدیدی مواجه شده بودند و تأثیر شگرف آن را بر مردم مشاهده می‌کردند، تلاش گسترده‌ای را برای تخریب شخصیت پیامبر ﷺ و رویارویی با تعلیم حیات‌بخش اسلام سامان دادند و با شبهه‌افکنی درباره آموزه‌های قرآنی مانع از ایمان آوردن عموم مردم و گسترش دین اسلام در جامعه خود شدند. مشرکان مکه پیامبر اکرم ﷺ را به دروغ‌گویی متهم ساخته و اعلام کردند که پیامبران باید از فرشتگان باشند؛ نه از نوع انسان. آنان معاد را انکار نموده، آن را به سخره می‌گرفتند و شرک و بت‌پرستی را برتر از یگانه‌پرستی می‌دانستند. آیات خدا را تکذیب می‌کردند، اعجاز قرآن را زیر سؤال برده و می‌گفتند: قرآن چیزی جز سخنان پیامبر ﷺ نیست و تقاضای

معجزات دیگر می‌کردند. در چنین فضایی سوره مبارکه انعام نازل شد و ضمن ارائه پاسخ‌های منطقی و مستدل به شبهات مشرکان و ابطال عقاید نادرست آن‌ها، اصول و بنیادهای دین اسلام را بیان کرد (طیب‌حسینی، بی‌تا، ج ۴، ص ۵۴۹).

۶- فضای نزول و تأثیر آن بر معارف سوره انعام

برخی مفسران در این مورد معتقدند که سوره انعام در فضایی نازل شده است که مردم هم مشکل اعتقادی و هم گرفتاری فقهی، اخلاقی و حقوقی داشته‌اند. مهمترین ضعف آنان از سویی جهل فرهنگی و علمی و از طرفی دیگر جهالت سنتی و عملی بود؛ یعنی یا حق را نمی‌فهمیدند یا به فهمشان احترام نمی‌گذاشتند. بر این اساس، در عصر نزول این سوره دو خطر مهم دامن‌گیر مردم عصر بعثت به‌ویژه اهل حجاز بود: (۱) شبهه علمی و (۲) شهوت عملی؛ که هر دو در محدوده مبدأ (توحید و خداشناسی)، وحی و رسالت (انسان‌شناسی) و قیامت (معادشناسی) آشکار بودند و خدا از همین دو خطر به شکل‌های گوناگون پرده برداشته است. اوایل سوره «انعام» به حل شبهه‌های علمی مردم حجاز و از آیه ۵۱ به بعد به زدودن شهوت‌های عملی آن‌ها می‌پردازد. بر این اساس، نیازهای ضروری جامعه جاهلی کاملاً مورد عنایت سوره «انعام» بوده و برابر آن تنزل یافته است (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۲۴، ص ۳۳۷).

۶-۱- پاسخ‌گویی به برخی شبهات

الف) شبهه علمی در توحید و خداشناسی

مشرکان خدا را «واجب الوجود»، «خالق کل جهان»، «رب العالمین» و «رب الأرباب» می‌دانستند؛ اما ربوبیت او را در امور جزئی انکار می‌کردند و به ارباب متفرق اعتقاد داشتند. یعنی برای هر یک از زمین، آسمان، بحر، برّ، انسان، حیوان و... پروردگاری جداگانه معتقد بودند (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۲۴، ص ۳۳۹). خداوند سبحان در پاسخ این شبهه می‌فرماید: ﴿وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى بَشَرٍ مِّنْ شَيْءٍ...﴾؛ خدای را چنان‌که سزاوار شناختن است نشناختند که گفتند: خدا بر هیچ بشری چیزی نازل نکرده است (انعام: ۹۱).

ب) شهوت عملی

مردم حجاز از این جهت همان خوی جاهلی را داشتند و به پیامبر اکرم ﷺ می‌گفتند: مستمندان و مستضعفانی را که در مجلس تو نشسته‌اند، طرد کن تا ما نزد تو آییم. ولی خدا به رسولش دستور می‌دهد هرگز این گروه را از خود دور نساز: ﴿وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِّنْ شَيْءٍ وَ مَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِّنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾؛ و کسانی را که در هر صبح و شام پروردگار خود را می‌خوانند و جز رضای او منظوری ندارند از خود طرد مکن و بدان که از حساب ایشان چیزی بر تو و از حساب تو چیزی بر ایشان نیست که آنان را از خود برانی و در نتیجه از ستمکاران بشوی (انعام: ۵۲). این آیه گویای مبارزه قرآن کریم با جهالت و شهوت عملی مشرکان و ناظر به



طرد شهوت‌های عملی برخاسته از خوی جاهلیت مردم حجاز است (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۲۴، ص ۳۴۱).

۷- نکات اعتقادی، اخلاقی، فقهی سوره انعام

سوره انعام دارای نکات اعتقادی، اخلاقی و فقهی است که رعایت آن‌ها در زندگی می‌تواند انسان را در مسیر صحیح رشد و تکامل قرار دهد. خلاصه این نکات عبارت‌اند از:

نکات اعتقادی: بیان عالی توحید و دعوت به آن و پرهیز از شرک و بت‌پرستی و عقائد زائد.

نکات اخلاقی: کسب آگاهی نسبت به عواقب کارها برای پیمودن راه سعادت، توصیه به تقوا و نماز، استفاده از روش زندگی انسان‌های کامل مثل پیامبران علیهم‌السلام به عنوان الگوی زندگی.

نکات فقهی: استفاده از دلایل روشن برای امر به معروف و نهی از منکر، دروغ نبستن به خدا و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، نخوردن گوشت حیواناتی که هنگام ذبح آن‌ها نام خدا برده نشده است، رعایت عدالت و انصاف در پیمان‌ها و ترازو، رعایت عدالت در سخن و قضاوت، بی‌توجهی به هواهای نفسانی، دشنام ندادن به کافر، شریک قرار ندادن برای خداوند، نیکی به پدر و مادر، پرهیز از قتل نفس به خاطر ترس از فقر، ترک گناهان آشکار و پنهان، نزدیک نشدن به مال یتیم مگر با روشی نیکو، انجام تکالیف در حد توان، وفای به عهد الهی (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۲۴، ص ۳۳۰-۳۳۷).

نتیجه‌گیری

از جستجو، مطالعه و تدبر در روایات فضیلت و شأن نزول سوره «انعام» و تحلیل محتوای آیات آن با توجه به نظرات مفسران فریقین، نتایج زیر حاصل می‌گردد:

۱. به گواهی شواهد درونی (هماهنگی و وجود انسجام میان آیات) و شواهد بیرونی (روایات و تاریخ)، کل سوره در مکه و به صورت دفعی و یکباره نازل شده است و تحلیل محتوای آیات نیز مؤید این ادعا است.
۲. با توجه به اهداف پژوهش حاضر که کنکاش در روایات فضیلت و شأن نزول، روش و نحوه ختم آن است، نتایج نشان می‌دهد که روایات «فضیلت و شأن نزول» اکثراً صحیح و قابل اعتماد، اما احادیث «روش و نحوه ختم سوره» برخی درست و صحیح - مانند حدیث امام صادق علیه‌السلام از ابی بصیر - و برخی نادرست و غیرقابل اطمینان - مانند اخبار حاوی خواندن اذکاری خاص در بین آیات - هستند.
۳. از نزول دفعی و یکباره این سوره، ضرورت و فوری بودن وجوب فراگیری مفاهیم اعتقادی یا اصول دین فهمیده می‌شود (مطابق با دیدگاه آقای جوادی آملی).
۴. تحلیل محتوای سوره نشان می‌دهد این سوره در حقیقت احتجاج در بیان یگانه‌پرستی است؛ بنابراین ریشه تمام مشکلات اخلاقی و بی‌دینی، در عدم فهم صحیح اصل توحید و خداپرستی است.

۵. هدف و پیام اصلی سوره، بیان مسائل اعتقادی به‌ویژه خداشناسی، دعوت به برهان و شناخت عقلی، معرفی اصول کلی تعالیم و پاسخ‌گویی به شبهات برای جهالت‌زدایی و حل شبهات عملی است.
۶. بهتر است تلاوت و ختم این سوره، همراه با تدبیر و اندیشه در معانی آیات آن باشد و از خواندن هرگونه اذکار خاص در بین آیات. پرهیز شود. همچنین مطابق حدیث صحیح‌السند، دعای مخصوص بعد از اتمام تلاوت خوانده شود. جهت تدبیر در سوره نیز می‌توان از تفاسیر تدبری و کتب مربوطه استفاده کرد.





فهرست منابع

قرآن کریم، ترجمه: محمد مهدی فولادوند.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۶ق). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم: دار الشریف الرضی للنشر.
۲. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳. بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶ق). البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت.
۴. برازش، علیرضا (۱۳۹۴). تفسیر اهل بیت علیهم السلام، تهران: امیرکبیر.
۵. برقی، احمد بن محمد (۱۳۴۲). الرجال برقی، تصحیح: محمد کاظم میاموی، تهران: دانشگاه تهران.
۶. بلاغی، سید عبدالحسین (۱۳۸۶ق). حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر، قم: انتشارات حکمت.
۷. بلخی، مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق). تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰ش). تفسیر تسنیم، قم: اسراء.
۹. حسینی شیرازی، سید علیرضا (۱۴۰۰). ابراهیم بن هاشم، بازخوانی فرایند انتقال حدیث کوفه به قم، گمانه‌های وثاقت، قم: رود آبی.
۱۰. حجتی، سید محمد باقر (۱۳۸۱). تاریخ قرآن کریم، تهران: دفتر فرهنگ نشر اسلامی.
۱۱. حلی، حسن بن یوسف (۱۳۸۱). ترتیب خلاصه الأقوال فی معرفة الرجال، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۲. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۳ق). معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواه، بی‌جا: بی‌نا.
۱۳. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۱۵. طنطاوی، محمد سید (۱۹۹۷م). التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، قاهره: دار نهضت مصر.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۷ق). الرجال طوسی، تحقیق: جواد قیومی، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷ق). الفهرست، قم: جامعه مدرسین.
۱۹. طیب حسینی، سید محمود (بی‌تا). دائرة المعارف قرآن کریم، جلد ۵، قم: بوستان کتاب.
۲۰. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق). تفسیر نور الثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان.
۲۱. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). کتاب التفسیر (تفسیر عیاشی)، تهران: چاپخانه علمیه.
۲۲. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۳. قرائتی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۴. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷). تفسیر قمی، قم: دار الکتاب.
۲۵. کشی، محمد بن عمر (بی‌تا). اختیار معرفة الرجال، تصحیح: میرداماد، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۲۶. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی (۱۴۰۵ق). المصباح للکفعمی (جنة الأمان الوافية)، قم: دار الرضی.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵). اصول کافی، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۲۸. مامقانی، عبدالله (۱۴۲۴ق). تنقیح المقال فی علم الرجال، تحقیق: محیی‌الدین مامقانی، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

۲۹. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

۳۰. معرفت، محمدهادی (۱۳۸۶). التمهيد في علوم القرآن، قم: مؤسسة التمهيد.

۳۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامية.

۳۲. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵). رجال النجاشی، تحقیق: موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسه نشر اسلامی.

۳۳. وبسایت ویکی پرسش به نشانی wikiporsesh.ir، مشاهده شده در تاریخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۱.

